



سال سیزدهم / بهار ۱۴۰۳

## ترس از جرم و جنسیت در شهر تهران

• آسیه موسی‌زاده<sup>۱</sup>، بهاره آروین<sup>۲</sup>، انور مصطفوی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۰۲/۰۶/۲۸، تاریخ تایید: ۰۲/۱۲/۲۷

Doi: <https://doi.org/10.22034/SCM.2024.204348>

### چکیده

جنسیت متغیری مهم و اساسی در زمینه مطالعات ترس از جرم است. مسئله‌مندی ترس از جرم باتوجه به جنسیت از این لحاظ قابل توجه است که زنان با وجود قربانی شدن کمتر نسبت به مردان ترس از جرم بالاتری دارند. در این پژوهش تفاوت‌های جنسیتی ترس از جرم باتوجه به ابعاد اجتماعی در این حوزه از جمله ترس از جرم برای دیگران و رفتارهای محدود اتخاذ شده در بین هر دو جنس بررسی شده است. روش مورد استفاده کیفی است. داده‌ها از طریق تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت یافته با بیست نفر از زنان و مردان ۱۵ سال به بالای شهر تهران گردآوری شد. در انتخاب افراد نمونه برای در نظر گرفتن بیشترین تنوع از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری ساختاری انجام شد. نتایج مطالعه نشان داد که به طور کلی ترس از جرم چه در شکل شخصی آن و چه به صورت ترس از جرم برای دیگران به صورت اجتماعی برساخته می‌شود و شرایط عینی تأثیر چندانی در ایجاد ترس از جرم ندارد و رفتارهای محدود در واکنش به هریک از این دو ترس توسط زنان و مردان اتخاذ می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ترس از جرم، جنسیت، ترس از جرم برای دیگران، رفتار محدود

۱ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس ایمیل [golala.mosazadeh@gmail.com](mailto:golala.mosazadeh@gmail.com)

۲ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس ایمیل [bahare.arvin@modares.ac.ir](mailto:bahare.arvin@modares.ac.ir)

۳ دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی ایمیل [anvar.mostafavi@yahoo.com](mailto:anvar.mostafavi@yahoo.com)

## بیان مسئله

ترس از جرم عبارت است از یک پاسخ عاطفی به خطر یا تهدید یک واقعه مجرمانه واقعی یا بالقوه (هینسون و رینز ۲۰۱۵، ۹۲). جرائم مربوط به این وقایع مجرمانه را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد؛ جرایم دلهره‌آور و جرائم ملایم. جرائم دلهره‌آور باتوجه به نوع و کیفیت ارتکاب یا اثراشان بر بزه‌دیدگان، بیشترین ترس را ایجاد می‌نمایند. این جرائم معمولاً آثار عینی و مستقیم با رؤیت‌پذیری بالا دارند. جرائم خیابانی، جرائم خشونت‌آمیز چون قتل، ضرب و جرح، تجاوز جنسی و آدم‌ربایی از این نوع جرائم محسوب می‌شوند (پاک‌نهاد ۱۳۹۲، ۱۵۷). به‌هرحال آنچه توجه به ترس از جرم را ضروری می‌کند پیامدهای آن است، چون افراد در پاسخ به ترس از جرم واکنش‌هایی انجام می‌دهند که زندگی روزمره را ساخت‌بندی می‌کند. ساخت‌بندی‌ای که منجر به محدودسازی دسترسی به آموزش، کار، و فراغت می‌شود (Grohe ۲۰۰۶، ۱۵ - ۲۵) (قاضی‌نژاد ۱۳۹۳، ۱۲۱، به نقل از وایتزمن و دیگران، ۲۰۰۷، ۲۷۱۵).

شهر تهران به‌عنوان یک کلان‌شهر مطابق نتایج مطالعات معدودی که در این زمینه انجام‌گرفته گویای وجود تفاوت جنسیتی ترس از جرم در بین شهروندان است. یافته‌های یک پیمایش انجام‌گرفته در زمینه زندگی شهری و ترس از قربانی شدن و پیامدهای آن که در سال ۱۳۸۹ در شهر تهران به انجام رسیده است نشان می‌دهد، زنان و دختران مورد مطالعه در ترس از قربانی شدن، به‌ویژه در حوزه جرائم شهری، دارای تفاوت نسبتاً چشم‌گیری در مقایسه با مردان بوده‌اند، و احساس ناامنی و مخاطرات بیش‌تری داشته‌اند (ملکی و همکاران ۱۳۹۰، ۱۱۸). داده‌های پیمایش بررسی وضعیت امنیت روانی-اجتماعی زنان جوان (۱۸ تا ۲۹ ساله) در شهر تهران که در سال ۱۳۸۵ از سوی سازمان ملی جوانان انجام پذیرفته نیز نشان می‌دهد که تنها عدد کمی از آنان دارای احساس امنیت بوده‌اند. (به نقل از قاضی‌نژاد ۱۳۹۳، ۱۳۱) یافته‌های یک پیمایش ملی در زمینه وضعیت نگرش و مسائل و مشکلات جوانان (با تأکید بر زنان و دختران جوان) که در سال ۱۳۸۶ توسط مرکز مطالعات زنان دانشگاه الزهراء به انجام رسیده است نیز حاکی از آن است که احساس امنیت زنان و دختران در مکان‌های عمومی شهر تهران، معابر عمومی، محل‌های اجتماعی و در محیط‌های مجازی در (بازه ۰ تا ۱۰)، چندان بالا نیست (همان، ۱۳۲). همچنین در پژوهش دیگری با نمونه‌ای ۵۰۰۰ نفری که تفاوت جنسیتی

شهروندان تهرانی در خصوص بزه دیدگی و احساس امنیت در محله زندگی‌شان در سال ۱۳۸۹ مورد بررسی قرار گرفته است، مشخص شده است که مردان در مقایسه با زنان هم از تجارب عینی بیش‌تری برخوردار بوده‌اند و هم با وجود این تجربه‌ها، احساس امنیت بیش‌تری داشته‌اند (سراج زاده و همکاران ۱۳۹۳، ۶۴).

این پژوهش مدعی است که بررسی تفاوت‌های جنسیتی ترس از جرم، به‌عنوان یک مسئله با ویژگی اجتماعی مضاعف (ترس از جرم و جنسیت)، محتاج توجه به ابعاد اجتماعی بیشتری در این حوزه است که از سوی پژوهشگران جهانی به طور عام، و پژوهشگران ایرانی به طور خاص، نادیده گرفته شده است. یکی از این ابعاد؛ «ترس از جرم برای دیگران»<sup>۱</sup> است که البته برای اولین بار توسط مارک وار ۲ - تحت عنوان «ترس از جرم نوع‌دوستانه»<sup>۳</sup> مورد توجه و بحث قرار گرفت (Warr 1992). ترس نوع‌دوستانه؛ ترسی است که مردم برای دیگران - فرزند، همسر، دوست، همکار و... - که امنیت آنها برایشان ارزشمند است، دارند. یافته‌های پژوهش‌های انجام‌گرفته توسط وار ((Warr 1992, Warr and Ellison 2000) نشان داد که ترس نوع‌دوستانه (ترس برای دیگران) دارای یک ساختار متمایز در بین اعضای خانواده است و اغلب شایع‌تر، و شدیدتر از ترس شخصی<sup>۴</sup> است. او باتوجه به یافته‌های پژوهش‌هایش، بسیاری از اقدامات احتیاطی روزمره را که توسط آمریکایی‌ها اعمال می‌شد، و معمولاً هم به‌عنوان یک عمل خود حفاظتی فرض می‌شد، به‌عنوان نتیجه‌ای از ترس نوع‌دوستانه استنباط کرد. وار باتوجه به نتایج مطالعاتش تأکید می‌کند که ترس از جرم باید بیشتر به‌عنوان یک پدیده اجتماعی در نظر گرفته شود تا یک پدیده فردی (Warr and Ellison 2000, 26). در مورد تهران و ایران اگر چه در هیچ پژوهشی ترس برای دیگران مورد مطالعه قرار نگرفته است، اما با نگاهی دقیق‌تر به یافته‌های یک پژوهش (سراج زاده و همکاران ۱۳۹۳، ۷۱ - ۶۴) می‌توان رد پای این ترس و اهمیت تعیین‌کننده جنسیت را مشاهده نمود؛ در این پژوهش تفاوت جنسیتی شهروندان تهرانی در خصوص بزه‌دیدگی و احساس امنیت در محله زندگی‌شان مورد بررسی

1 Fear of crime for others

2 Mark Warr

3 Altruistic Fear of Crime

4 personal fear

قرار گرفته است. برای بررسی این موضوع دودسته سؤال مطرح شده است؛ یک دسته مربوط است به تجارب شخصی افراد از مواجهه با افراد ولگرد، مزاحم و معتاد، و نیز تجربه مزاحمت این افراد، برای پاسخ‌گو و افراد خانواده او، و یک دسته نیز به احساس امنیت افراد مربوط می‌شود. در همه موارد (به جز ایجاد مزاحمت برای اعضای خانواده توسط افراد مزاحم و ولگرد) مردان در مقایسه با زنان هم از تجارب (مواجهه با افراد ولگرد، مزاحم و معتاد، و نیز تجربه مزاحمت این افراد) عینی‌تری برخوردار بوده‌اند و هم با وجود این تجربه‌ها، احساس امنیت بیشتری داشته‌اند. همچنین به‌استثنای تجربه مزاحمت افراد معتاد برای اعضای خانواده، در سایر موارد اختلاف بین زنان و مردان معنادار بوده است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که با وارد شدن آیتام «اعضای خانواده»، نظم پاسخ‌ها به هم می‌ریزد، اما متأسفانه همین آیتام اساسی در پرسش‌نامه به صورتی اشتباه مورد پرسش قرار گرفته است. یعنی هنگام پرسیدن تجربه بزه‌دیدگی، تجربه شخصی بزه‌دیدگی افراد را، با تجربه بزه‌دیدگی اعضای خانواده ادغام نموده‌اند و این مانع روشن‌شدن وضعیت شده است.

مورد دیگر که به آن بی‌توجهی شده است، «رفتار محدود» است که در ذیل حوزه پیامدهای ترس از جرم، قرار می‌گیرد. در ادبیات ترس از جرم، واکنش به جرم به طور عمده شامل دو نوع است؛ الف) ترس. ب) رفتار محدود - تنظیمات در فعالیت‌های روزمره که ظاهراً برای کاهش خطر، اعمال می‌شود (Ferraro 1995, 669). گاهی نیز واکنش در برابر ترس از جرم به صورت گروهی و جمعی است؛ به این شکل که افراد یک منطقه با مشارکت یکدیگر و برای تأمین امنیت بیشتر، اقدام به اتخاذ تدابیری جمعی می‌کنند، حتی در این راستا شرکت‌های خصوصی شکل گرفته و در برخی محله‌ها جایگزین پلیس گشته‌اند. (پیکا ۱۳۹۰، ۸۲، به نقل از عبدالهی و یوسفی ۱۳۹۱، ۱۶۲).

در حوزه جنسیت نیز شواهدی از وجود تفاوت‌های جنسیتی در رفتارهای محدود، در پاسخ به ترس وجود دارد. نیکولیک ریستانوویک<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) نشان داد که مردان رفتار خود را با در نظر گرفتن جوانب بیشتر محدود می‌کنند (به‌عنوان مثال امن کردن بهتر خانه و اموال)

1 Constrained behavior

2 Nikolic-Ristanovic

درحالی که زنان تمایل به تغییر رفتار و یا استفاده از استراتژی‌های اجتنابی دارند (مانند بیرون رفتن کمتر، بازگشت زودتر به خانه، و یا بیرون رفتن در شب فقط همراه با اسکورت): به عبارت دیگر، زنان استراتژی‌هایی را به کار می‌گیرند که احتمالاً احساس عاملیت آنان را کاهش می‌دهد. (Centre for Cultural Risk Research 1998,25). برخی رفتارهای محدود که لیزکا<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) و فرارو (۱۹۹۵) در مطالعات خود گنجانده‌اند خود مسبب افزایش ترس می‌شوند، هیل<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) هم اشاره کرده است که رفتار محدود که به واسطه ترس از جرم، برانگیخته می‌شود، ممکن است بر کیفیت زندگی مردم اثر منفی بگذارد، اما در زمینه‌های خاص، انواع خاصی از رفتارهای محدود می‌تواند ترس را کاهش دهد (Centre for Cultural Risk Research 1998,25).

در واقع می‌توان گفت که اول؛ ترس از جرم یک پدیده اجتماعی است. دوم؛ خصلت اجتماعی ترس از جرم، به طور عمده، به واسطه دو مقوله «ترس از جرم برای دیگران» و انواع «رفتار محدود»، قابلیت صدق بیشتری می‌یابد. سوم؛ یکی از حوزه‌هایی که در آن مقولات ترس از جرم برای دیگران، و رفتارهای محدود، توانایی نمایاندن خصلت اجتماعی ترس از جرم را می‌یابند، حوزه جنسیت و روابط جنسیتی است. چهارم؛ این خصلت اجتماعی زمانی به یک مسئله اجتماعی تبدیل می‌شود که مقوله «پیامد»‌های ترس از جرم به میان بیاید، پیامدهای ترس از جرم هم بدون پرداختن به مقوله «رفتار محدود» و انواع آن، قابل بررسی نیست. پس نتیجه می‌گیریم که برای بررسی جامعه‌شناختی جنسیت و ترس از جرم، لزوم توجه به مقولات ترس برای دیگران و رفتار محدود غیرقابل اغماض است.

اما با مروری در ادبیات ترس از جرم در تهران مانند (نهادی و سلابتی ۱۳۸۹، ۱۷۸ - ۱۶۷)، (میرحسینی و صادقی فسایی ۱۳۸۸، ۱۵۲ - ۱۲۵)، (علی خواه و نجیبی ۱۳۸۴، ۱۳۱ - ۱۰۹)، (شاکری و قاضی‌نژاد، ۱۳۹۱، ۲۲۰ - ۱۸۱) درمی‌یابیم که تنها ترس از جرم شخصی و آن هم تنها در مورد زنان مورد بررسی قرار گرفته است، ترس از جرم برای دیگران به کلی نادیده گرفته شده است. رفتارهای محدود هم تنها در کار میرحسینی و صادقی (۱۳۸۷) آن

1 Liska

2 Heale

هم در پاسخ به ترس از جرم شخصی و به صورت جزئی مورد توجه قرار گرفته است. این یعنی، ما بضاعت علمی بسیار ناچیزی در مورد تفاوت ترس از جرم شخصی و ترس از جرم برای دیگران زنان و مردان شهر تهران و تفاوت رفتار محدود آنان نسبت به این دو ترس داریم همچنین هیچ بضاعت علمی در مورد اینکه رفتار محدود زنان و مردان شهر تهران هنگام معارضه ترسشان - ترس از جرم شخصی و ترس برای دیگران - با انواع امور مهم از نظر شاخص‌های توسعه - مانند، تفریح، ورزش، دانش و اشتغال - نداریم. بنا بر آنچه ذکر شد، مسئله این پژوهش این است که: با توجه به جنسیت تفاوت‌های جنسیتی ترس از جرم، در شهر تهران چگونه قابل فهم است؟

### سؤالات پژوهش

- تفاوت‌های جنسیتی ترس از جرم در شهر تهران چگونه است؟
- تفاوت رفتار محدود زنان با رفتار محدود مردان در شهر تهران در واکنش به ترس از جرم چیست؟
- ترس از جرم چه پیامدهایی بر روی فعالیت‌های دانش، فراغت و اشتغال زنان و مردان در شهر تهران دارد؟

### مرور ادبیات تجربی و نظری

هدف از مرور ادبیات تجربی و نظری نقد کردن پژوهش‌های انجام شده و نظریه‌ها از زاویه‌ای خاص نیست؛ بلکه شناختن بهتر ابعاد و جوانب موضوع پژوهش است. پس با توجه به همین هدف، پژوهش‌های انجام گرفته بر اساس اینکه چه مؤلفه‌هایی را در چه سطحی مورد بررسی قرار داده‌اند و به چه نتایجی دست یافته‌اند، مورد بررسی قرار گرفتند.

پس از مرور گسترده ادبیات تجربی ترس از جرم در حوزه جنسیت، ترس از جرم شخصی، ترس از جرم برای دیگران و رفتار محدود، هریک از پژوهش‌های انجام شده از لحاظ اینکه کدام یک از این چهار مؤلفه را مورد مطالعه قرار داده‌اند، به هفت شاخه تقسیم شدند و در بدنه ادبیات مکان‌یابی شدند تا جایگاه و سهم پژوهش حاضر در ادبیات موجود مشخص شود.

جدول شماره ۱: مکان یابی هریک از پژوهش‌ها در شاخه‌ها

شماره شاخه	شاخه	کارهای پژوهشی	سطح	یافته‌ها
۱	ترس از جرم - جنسیت	سوفی جانسون، کارن هانریکمن (2023)	تبیین	فرضیه محیط اجتماعی و فضایی و ترس از جرم
		هیلینسکی و همکاران (۲۰۱۱)	تبیین	قربانی شدن، فمینیستی و فرضیه سایه تجاوز جنسی
		ارکان و توپچو (۲۰۲۱)	تبیین	تفاوت جنسیتی و ترس از جرم در مکان‌های عمومی
		ساتون و فارال (۲۰۱۱)	تبیین	نادیده‌انگاری ترس نزد مردان
		مایکل چاتوی و تیموتی هارت (2019)	تبیین	جنسیت و قربانی شدن بر اساس نوع جرم
۲	ترس از جرم - ترس برای دیگران	وار (۱۹۹۲) / وار و الیسون (۲۰۰۰)	توصیف / تبیین	شایع‌تر بودن ترس برای دیگران در خانواده
۳	ترس از جرم - رفتار محدود	ایوردجیک (۲۰۱۱)	تبیین	قربانی شدن و ترتیبات زندگی
۴	ترس از جرم - ترس برای دیگران - رفتار محدود	دراکولبیچ (۲۰۱۴)	توصیف / تبیین	منبع ترس برای دیگران: قربانی شدن و درک خطر رابطه ترس برای دیگران و رفتار محدود

مرور ادبیات نظری: پس از مرور ادبیات نظری، ادبیات نظری ترس از جرم، ترس از جرم و جنسیت، ترس از جرم برای دیگران، ترس از جرم برای دیگران و جنسیت، رفتار محدود، رفتار محدود و جنسیت در چهارستون تقسیم‌بندی شدند. سپس با معیار مسئله پژوهش یعنی ابعاد اجتماعی ترس از جرم نظریه‌ها مورد نقد و بررسی و غربالگری قرار گرفتند که در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است:

## جدول شماره ۲: نظریه‌های حاصل از مرور ادبیات نظری

ستون شماره ۱	ستون شماره ۲	ستون شماره ۳	ستون شماره ۴
نظریه‌های عمومی ترس از جرم	نظریه‌های جنسیت و ترس از جرم	نظریه‌های ترس از جرم برای دیگران	نظریه‌های رفتار محدود
تجربه قربانی شدن	قربانی شدن پنهان	تجربه قربانی شدن	تجربه قربانی شدن
آسیب‌پذیری	آسیب‌پذیری فیزیکی	آسیب‌پذیری اجتماعی شده	ساختار فرصت‌ها
بی‌سازمانی اجتماعی در بعد فیزیکی و اجتماعی	فرضیه سایه تجاوز جنسی	خود توسعه‌یابنده سنی - جنسیتی	
ادغام اجتماعی	فمینیستی	جامعه‌پذیری تقسیم کار عاطفی نقش‌های جنسیتی	فرضیه سایه ناتوانی
جامعه‌پذیری ترس از جرم	اجرای جنسیت	اجرای جنسیت	هنجارهای جامعه‌پذیری جنسیتی

## روش پژوهش

روش انجام پژوهش کیفی است. با توجه به تفاوت زمینه‌های فرهنگی ایران، انتخاب نظریه‌ای در میان نظریه‌های ادبیات جهانی به منظور آزمون آن در شهر تهران، بدون هیچ آگاهی از واقعیت می‌توانست نتیجه‌ای گمراه‌کننده در پی داشته باشد، بنابراین به منظور پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش رجوع به واقعیت با روش کیفی انجام شده است.

## تعیین افراد نمونه

بنا بر پرسش‌های پژوهش و همچنین بنادر رویکردهای موجود در ادبیات هر دو جنس، مقرر شد که افراد نمونه این پژوهش به لحاظ جنس، سن، پایگاه اجتماعی و اقتصادی دارای بیشترین تنوعات باشند؛ بنابراین افراد نمونه از لحاظ منطقه سکونت نیز متنوع در نظر گرفته شدند.

### شیوه نمونه‌گیری

براین اساس شیوه نمونه‌گیری به صورت هدفمند<sup>۱</sup> است. یعنی در انتخاب افراد برای مصاحبه، بیشترین تنوعات از لحاظ ویژگی‌های سنی، وضعیت اقتصادی، پایگاه اجتماعی و منطقه سکونت، باتوجه به پرسش‌های تحقیق و ملاحظات نظری، در میان جامعه هدف که زنان و مردان ۱۵ سال به بالای شهر تهران است، لحاظ شد.

### تعداد و ویژگی‌های افراد نمونه

تعداد افراد نمونه ۲۰ نفر می‌باشد که ۹ نفر از آنان مرد و ۱۱ نفر زن هستند. ۵ نفر از این تعداد بالای ۵۰ سال، ۷ نفر کمتر از ۳۰ سال، ۵ نفر بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۳ نفر بین ۴۰ تا ۵۰ سال سن دارند. تحصیلات ۲ نفر زیر دیپلم، یک نفر دانش آموز متوسطه، ۴ نفر دانشجو در مقاطع فوق دیپلم، فوق لیسانس و دکتری، ۷ نفر دیپلم و فوق دیپلم، ۳ نفر لیسانس و فوق لیسانس می‌باشد. شغل ۱ نفر دستفروش، ۱ نفر شاگرد مغازه، ۲ نفر فروشنده فرش، یک نفر مدیر فروش، یک نفر دبیر، ۲ نفر بیکار، یک نفر خانه دار، یک نفر مربی ورزش، یک نفر مدیر اداری، ۳ نفر صاحب مغازه و گالری، یک نفر رئیس هیئت مدیره شرکت خصوصی است. نائل شدن به اشباع نظری تعیین کننده این تعداد بود.

### روش گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌های پژوهش از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت یافته - یعنی مصاحبه‌ای با پرسش‌های مشخص و اصلی و پرسش‌هایی نامشخص در ادامه هر پرسش مشخص - استفاده شده است.

### روش تحلیل داده‌ها

یافته‌های این پژوهش با استفاده از کدگذاری ساختاری مورد تحلیل قرار گرفته است. این کدگذاری به‌ویژه در مطالعات کیفی ای بیشتر کاربرد دارد که در آن برای گردآوری داده‌ها از شیوه‌های استاندارد و نیمه‌ساخت یافته استفاده می‌کنند (ن. ک سالدنا ۱۳۹۵، ۱۳۱ و ۱۳۲).

1 Purposive sampling

## یافته‌های تحقیق

### هویت‌های گفتمانی سنی - جنسیتی

یکی از مفاهیم پر کاربرد برساخت‌گرایان به‌جای مفهوم شخصیت - به منزله شیوه‌ای معنادار برای درک خود - مفهوم هویت است. در مفهوم هویت از تضمین‌های ذات باورانه‌ی مفهوم شخصیت احتراز می‌شود و به‌علاوه این مفهوم نوعی دلالت تلویحی اجتماعی دارد. هویت ما برساخته‌گفتمان‌های فرهنگ ماست و از آن در ارتباط با دیگران استفاده می‌کنیم. هویت شخص محصول درهم‌تنیدگی ظریف و نامحسوس شمار زیادی از تار و پودهای مختلف است از جمله سن. مثلاً شخص ممکن است کودک، جوان یا سالخورده باشد. تاروپود دیگر طبقه است که به شغل، سطح درآمد و میزان تحصیلات بستگی دارد. این تار و پودها و بسیاری دیگر درهم‌تنیده می‌شوند و هویت ما را برمی‌سازند. هر یک از این مؤلفه‌ها را گفتمان‌های موجود در فرهنگ ما برمی‌سازند - گفتمان‌های مربوط به سن، جنسیت، تحصیلات، سکسوالیته و غیره. گفتمان‌ها رویه‌هایی‌اند که به ابژه‌های مورد بحثشان شکل می‌دهند (Foucault 1972, 49 به نقل از بر ۱۳۹۴، ۱۰۲). در دیدگاه برساخت‌گرایی عامل‌های انسانی در شرایط درست و مناسب می‌توانند گفتمان‌هایی را که به زندگی آن‌ها چارچوب می‌بخشد به طور انتقادی تحلیل کنند و به فراخور اثرهای موردنظر خویش یا مدعی آن گفتمان‌ها شوند یا در برابرشان مقاومت کنند؛ لذا این دیدگاه بر آن است که شخص در عین این که با گفتمان برساخته می‌شود از آن برای تحقق اهداف خویش نیز استفاده می‌کند. (همان: ۱۸۲)

مصاحبه‌شونده‌های این کار کیفی نیز ترس از جرم را برحسب همان گفتمان‌هایی تعریف می‌کنند که با آن، هویت خود را تعریف کرده‌اند و متناسب با آن رفتار محدود لازم را اتخاذ می‌کنند. اظهارات محمد ۱۶ساله، ساکن نارمک، دانش‌آموز در این مورد بسیار واضح است: «پژوهشگر: توی این سفره خونه سنتی که با دوستات میری، بدترین فاجعه نزد این دوستات چیه؟ اینکه یکی قربانی همین جرم‌ها و تعرضاتی که گفتیم بشه؟ پ: بستگی داره به اینکه خودت رو چه جور معرفی کنی: اگه یک لات باشی، وقتی کتک بخوره بدترین فاجعه است. یکی که درسخون باشه وقتی نمره پایین بگیره .. در هر چیزی که خودت رو حرفه ای معرفی کنی». مثال بارز دیگر در این زمینه، تفاوت دیدگاه فخری - ۴۶ ساله، دیپلم، کارمند

بازنشسته بانک، ساکن نارمک - با دیدگاه زهرا - ۳۶ ساله، مدیر، کارشناس ارشد، ساکن نارمک - در مورد ترس از بزه دیدگی جنسی است. اظهارات زهرا نسبت به ظلم جامعه به زنان، با گفتمان فمینیستی<sup>۱</sup> مطابقت زیادی دارد؛ بنابراین او هویتی شدیداً فمینیستی دارد. مثلاً در پاسخ این پرسش: «در زندگی روزانه مون چقدر اتفاق می افتد که ما در طول زندگی مون مورد تعرض و تهدید جرائمی مانند تعرضات زورگیری، اخاذی، جنسی یا هر چیزی قرار بگیریم و یا نه بررسییم از اینکه قرار بگیریم؟». اظهاراتی کاملاً فمینیستی را ابراز می کند: «در جامعه ما که زنان خیلی مورد ظلم واقع می شن حالا یا به قول شما تعرض جنسی یا حتی چون از لحاظ فیزیکی ضعیف تر هستند خیلی جاها مورد ظلم واقع می شن و ما مرجع رسیدگی درست حسابی ای نداریم که، من فکر می کنم این ترس تو دل همه زن های ایرانی باشه، حداقل توی ایران، .. الان من که دیر میام خونه، تاریکه، حتی وقتی رانندگی می کنم، می خوام پارک کنم، خیلی از آقایون بدتر از خانوما رانندگی می کنن ولی یک خانوم اگه بد پارک کنه بیشتر اذیت میشه». در واقع ترس واقعی از نظر زهرا ترس از استیلا مردانه است که از طریق آزار جنسی و دست اندازی و تمسخر مردانه نمود پیدا می کند. ترس زن فمینیست از استیلا مردانه ناشی از قائل شدن شأن والاتر برای زن و یا حداقل همتراز مرد است. همین هویت فمینیستی موجب می شود که آزار جنسی را در خفیف ترین حالات هم نشانه سرکوب خود و کتمان شأن والای خویش بداند و تبعاً این خفیف ترین حالات آزار جنسی را جرم تلقی کند و موجب آزارش باشد در واقع هر نوع آزار جنسی تهدید کننده هویت فمینیستی اوست: «پژوهشگر: این ترس از تعرضات جنسی که می گید برای خودتون اتفاق افتاده یا دیدید یا شنیدید که می گید تو دل همه هست، چیستند؟ پ: بستگی داره ببینید حالا بحث فعلی مون رو بزاریم تعرض جنسی، بستگی داره شما تعرض جنسی رو چی معنی می کنید، ما اینقدر عادت کردیم به رفتارهای غیر برابر و ناعادلانه، که می گیم اینکه چیزی نکرده، اینکه کاری نکرد مثلاً این تنه زد، درحالی که همه اینها تعرض جنسیه، ولی

۱ در این پژوهش در مرحله کدگذاری، با کمک ادبیات موجود و مصاحبه های انجام گرفته، گفتمان های جنسیتی شناسایی و عملیاتی شدند.

خیلی از زنانمون اینقدر عادت کردند میگن حالا یه حرفی زد، حالا یه غلطی کرد حالا این، این رو تعرض نمی بینن، فراتر از این رو تعرض می بینن».

اما فخری بر خلاف زهرا همین حالات خفیف‌تر را جرم تلقی نمی‌کند، بلکه نشانه زیبا و جوان بودن زن می‌داند: «این‌ها که یه اتفاقای مسلمی هستند و نشان دهنده اینه که یک زنی هنوز جوان و زیباست.» در واقع هویت فخری با گفتمانی مطابقت دارد که جایگاهی هژمونیک در فرهنگ جامعه دارد در این گفتمان زن مورد تایید جامعه، زنی زیبا است که مرد با انواع ایما و اشارات، عشق جنسی خود را به او می‌نمایاند، زنی که این گفتمان را پذیرفته است دارای هویت جنسی است. بنابراین حالات خفیف آزار جنسی مانند چشم چرانی نه تنها تهدید کننده هویت جنسی او نیست، بلکه تأیید کننده آن است. در همین گفتمان به تبع اینکه زن ممکن است منبع کام جویی جنسی هر مردی قرار بگیرد، بنابراین مردانی که زن متعلق به آنان است موظفند از زن در برابر مردان دیگر مراقبت کنند و گرنه با خطر بی‌آبرویی مواجهند، همچنین خود زن باید در حفظ این آبروی مردانش بکوشد، در این گفتمان او باید زنی با حیا باشد. بزه دیدگی جنسی یک نشانه از عدم کوشش او در حفظ آبروی مردانش است، بنابراین بزه دیدگی جنسی او تهدید کننده هویت باحیا بودنش است، به همین دلیل او از حالات شدیدتر بزه دیدگی ترس دارد. این گفتمان دوم را می‌توان گفتمان ناموسی نامید (اگرچه بر حسب گفتمان ناموسی باید از حالات خفیف‌تر هم ترس می‌داشت، اما چون هویت جنسی هم دارد، نسبت به حالات خفیف‌تر ترسی ندارد). دلیل این استدلال، بازگو کردن ترس از بزه دیدگی‌های مالی و اعتراف به تجربه بزه دیدگی مالی و از سویی دیگر پنهان کردن تجربه و ترس از بزه دیدگی‌های جنسی از مصاحبه‌گر و از دیگرانی مانند همسرش است که البته مصاحبه‌گر در طی یک فرایندی بالاخره توانست اعتماد او را جلب کند، و او بزه دیدگی‌های جنسی خود را که در مرحله اول مصاحبه یا تحویل به امری تصادفی می‌کرد و یا به اتفاقی سطحی تقلیل می‌داد، یکی پس از دیگری بازگو کند. در مور ابراز بزه دیدگی جنسی به همسرش هم اینگونه جواب داد: «جدی‌ها رو نگفتم ولی اون جزئی‌ها مثل همون پیرمرده رو براش تعریف کردم پژوهشگر: چرا؟ آخه وقتی براش تعرف کنی می‌گه حتماً تو یک کاری کردی که طرف این کار و کرده. پژوهشگر: از کجا می‌دونی که

این رو می‌گه؟ پاسخ: دیدم، که در مورد اطرافیان این حرف‌ها رو گفتند و من نمی‌خوام که این حرف‌ها رو در مورد خودم بشنوم».

تفاوت هویت زهرا با فخری نه تنها موجب تفاوت در تعریفشان از بزه جنسی و ترسشان از بزه دیدگی جنسی شده است، بلکه موجب تفاوت در رفتار محدودی که برای پیشگیری از آن اتخاذ می‌کنند نیز شده است. به عنوان مثال در اظهارات فخری، معلوم شد که او از رفتارهای تغییری مستأصلانه مانند حرف زدن، کم حرف زدن استفاده می‌کند: «دیگه از اون وقت تا چند سال همش سعی می‌کردم... که حرف نزدم توی ماشین، الان هم که وقتی سوار تاکسی می‌شم باز سعی می‌کنم جواب خیلی کوتاه و یا سربالا بدم». دلیل این امر آن است که در گفتمان ناموسی بزه دیدگی جنسی و بی بندوباری اخلاقی بایکدیگر درهم تنیده شده‌اند، بنابراین هر بزه دیدگی جنسی می‌تواند تداعی کننده خطا کاری زن باشد، پس در این گفتمان انتظار می‌رود که یک زن با حیا تا می‌تواند خود را از مردان دور کرده و راه ارتباط و تعامل با آنان را به حداقل برساند. اما زهرا از رفتارهای تغییری مقتدرانه استفاده می‌کند. که شرح آن از زبان خودش رساتر است وقتی از او در مورد اینکه ترس از جرم مانع رسیدن به خواسته‌هایش شده است یا نه سؤال شد، اینگونه پاسخ می‌دهد: «دلم می‌خواسته پست مدیریتی داشته باشم، دارم اون رو، خیلی براش تلاش کردم، یک جاهایی هم تحت فشار بودم، مثلاً همین تعرض و اینها ولی تلاش خودم رو کردم. من: یعنی تحت تعرض جنسی بودی؟ پاسخ: آره ولی دور زدمش و از یک جای دیگه بهش رسیدم»، همچنین درجایی دیگر اظهار می‌کند: «حالا به قول خواهر شوهرم کسی جرأت نمی‌کنه حرفی به تو بزنه چون اینقدر جدی برخورد می‌کنی اون موقع». رفتارهای محدود مقتدرانه زهرا از هویت فمنیستی او ناشی می‌شود چون در گفتمان فمنیستی زن دارای شأن والایی است و زندگی و پیشرفت حق مسلم او است و زن به هیچ وجهی نباید برای اعاده حقش کوتاه بیاید.

افراد بسته به اینکه در چه دوره سنی باشند، گفتمان‌هایی متناسب با آن سن را برمی‌گزینند بنابراین گفتمان‌های مورد پذیرش افراد در طول مدت عمر می‌وانند متغیر باشند و به تبع این، ترس از جرم افراد برای خود و دیگران نیز می‌تواند در طول مدت عمر متغیر باشد. مصداق بارز این ادعا ترس محمد، ۱۶ ساله، دانش آموز، ساکن نارمک و ترس حاج آقا ۶۷ ساله،

مدیر گالری فرش، سیکل و ساکن تهرانپارس است. از آنجا که محمد در اوایل ورود به دنیای مردانگی است، او به شدت نیاز دارد که مردانگی خود را ثابت کند، راه‌های فراوانی برای اثبات مردانگی وجود دارد، اما از آنجا که محمد می‌خواهد در آینده یک فوتبالیست شود، بنابراین بهترین راه اثبات مردانگی اش قهرمانی است. به تبع این، او از بزه دیدگی‌ها و مجرمانی که این هویت مرد قهرمان را تهدید کند ترس دارد، به همین دلیل او از جرم‌هایی که متضمن شکست او است، و از مردانی که از او قوی‌ترند می‌ترسد: «از هرغریبه ای مترسم.. از هر مرد غریبه و ترسناکی می‌ترسم. مصاحبه کننده: از معتاد چی؟ معتاد که چون نداره، نه». در ضمن از آنجا که او در این سن به لحاظ اجتماعی هیچ گونه مسئولیتی در قبال اعضای خانواده ندارد، بنابراین ترس از جرم شخصی او بیشتر از ترس از جرم برای اعضای خانواده است و در ضمن به دلیل همین فقدان مسئولیت برای دیگران، اگر ترس هم برای دیگران داشته باشد، جنس این ترس همجنس ترس شخصی اوست؛ «برای خانوادم نگران می شم ولی بیشتر برای خودم نگران می شم. ... از اون چیزی برای خانواده می‌ترسم که برای خودم می‌ترسم». حاج آقا هم از آنجا که در دوران سالخوردگی به سر می‌برد، یعنی دوره ای که دیگر مسئولیت‌های مرد قوی، مرد غیرتی، مرد نان آور و غیره بر او سنگینی نمی‌کند، ترس او برای دیگران همجنس ترس شخصی اش است؛ «مصاحبه کننده: ما یک سری از جرم‌ها رو داریم که خیلی وحشتناکه مثل چاقوکشی، سرقت مسلحانه، دزدی، ضرب و شتم، شما از این طیف از جرم‌ها کدوم یکی بیشتر در طول زندگی روانه تون ذهنتون رو درگیر می کنه؟ مصاحبه شونده: ... سرقت مسلحانه، بیشتر می تونه خطر باشه». و در مورد خانواده اظهار می‌کند؛ «مصاحبه کننده: برای خانوادتون چی؟ برای اونها چه جووری ترس داری؟ مصاحبه شونده: برای خونم، بیشتر از خون‌هایی که مراجعه می‌کنند به خونه ها و می‌گن ما مال اداره آبییم، مال اداره گاز هستییم. و با مدرک تقلبی وارد خونه بشن».

در ضمن از آنجا که هویت یک مرد عاقل و دور اندیش بیشتر از سایر هویت‌های مردانه با سن ۶۷ ساله حاج آقا مطابقت دارد، بنابراین او این هویت را برای خود برگزیده است و به تبع آن، او در واکنش به ترس از سرقت مسلحانه، برخلاف محسن ۴۳ ساله، ساکن پاسداران، صاحب گالری لوستر و هوشیار، ۵۳ ساله، ساکن فرمانیه، جواهر فروش که شوکر و اسپری گاز را

در محل کار خود تدارک نموده اند، استراتژی‌هایی دوراندیشانه‌تر مانند استخدام افراد بیشتر در فروشگاه را اتخاذ کرده است و دلیل عدم استفاده از شوکر را این گونه بیان می‌کند؛ «... به اتکا به اون می‌گه حالا اگه طرف هم اومد با این دستگاه ناکارش می‌کنم. در صورتی که استفاده از اون هم خطرناکه».

هویت‌های برآمده از گفتمان افراد نه تنها بر ترس از جرم شخصی و رفتار محدود آن تأثیر دارد بلکه بر ترس از جرم برای دیگران و رفتار محدود اتخاذ شده در واکنش به آن نیز تأثیر گذار است. به عنوان مثال آرش - ۲۴ ساله، ساکن عبدل آباد، کارگر، دیپلم - و محسن - ۴۳ ساله، ساکن پاسداران، دارای گالری لوستر، فوق دیپلم، - هر دو در یک گفتمان ناموسی قرار دارند. برحسب گفتمان ناموسی، بزه دیدگی یک زن غالباً به بزه دیدگی جنسی تعبیر می‌شود و این نوع بزه دیده‌گی می‌تواند هم متضمن بی بندوباری اخلاقی آنان باشد و هم متضمن بی آبرو شدن مردان خانواده. مثلاً وقتی که مصاحبه‌گر از محسن درباره اینکه برای همسرش وقتی که از منزل خارج می‌شود، ترس از جرم دارد یا نه سؤال می‌کند، محسن اینگونه پاسخ می‌دهد؛ «نه چون اون خودش یک مرده». در این گفتمان جدایی زنان از مردان تا بیشتر باشد، مردان خانواده خیالشان از بابت خطر بزه دیدگی جنسی و بی بندوباری اخلاقی زنان خانواده راحت‌تر است. پس آنان بدون شک باید برای پیشگیری از این بزه دیدگی جنسی زنان خانواده، بیشتر رفتارهای محدود اجتنابی را برای زنان اتخاذ نمایند. به عنوان مثال مراقبت آرش از خواهرش در برابر بزه دیدگی به این شرح است «کوچیکه ولی اصلاً نمی‌زارم بره بیرون، نمی‌زارم با همبازپهانش بره بیرون. ده سالشه درست تو اوج جوونی که می‌تونه با دوستاش بازی کنه ولی من نمی‌زارم. مصاحبه‌گر: مثلاً چه جوری محدود می‌کنی که این خطرات کمتر بشه؟ مصاحبه شونده: نمی‌زارم اصلاً با دخترای همسن خودش، حتی چه در و همسایه فلان، فقط تنها دختری که باهاش دوسته، دختر دوست مامانمه که کلاً خانواده مذهبی هستند، دختری خیلی، اصلاً به زور سلام می‌کنه، دختر خجالتیه فقط با اون با کس دیگه ای نمی‌زارم، خیلی دخترهای دیگه تو این سن و سال که الان تو محله مان، چه جوری بهت بگم، درسته سنشون کمه ولی خیلی می‌دونن همه چی‌ها رو، از هر لحاظ همه چی می‌دونن، در این مورد نمی‌زارم چشم و گوشش باز بشه».

اما آرش و محسن علاوه بر گفتمان ناموسی، هر کدام در گفتمان‌های دیگری نیز قرار دارند، گفتمان دیگر آرش، یک گفتمان مدرن جدید است، که اظهارات او مبین این مطلب است: «من دوست دارم تو زندگی پیشرفت کنی. مصاحبه گر: پیشرفت مادی؟ مصحبه شونده: پیشرفت مادی، فرهنگی. مصاحبه گر: فرهنگی رو دوست داری بیشتر روی چی تأکید کنی؟ مصاحبه شونده: شخصیت خودم، که با هر آدمی نپریم که شخصیتم پایین بیاد، بعد دوست دارم تو کارم بیشتر تلاش کنی، سطح مادیم بره بالاتر، فقط همین». در این گفتمان پیشرفت تحصیلی و شغلی، چه زن و چه مرد مهم و لازم است. به همین دلیل آرش اگرچه از لحاظ مالی در سطح بسیار پایینی قرار دارد، اما حاضر است برای تحصیلات و شغل خواهرش در آینده هر کاری انجام دهد؛ «اون هر کاری بخواد می‌کنم. اون بخواد بره خارج درس بخونه، همین جا درس بخونه، من مخارجش رو می‌دم، بهش هم می‌گم بخون من مخارجت رو می‌دم». اما محسن علاوه بر گفتمان ناموسی در گفتمان مدرن سنتی قرار دارد؛ در این گفتمان لزومی به اشتغال خارج از خانه زن وجود ندارد بلکه مرد نان آوری می‌کند و زن خانه داری. بنابراین محسن ارجحی به علائق همسرش نمی‌نهد و اگر چه از لحاظ مالی بسیار تواناست اما برای محافظت از همسرش از جرم، در این راه بیشتر از رفتار محدود اجتنابی استفاده می‌کند؛ «مصاحبه گر: این جور هست که علائقی داشته باشه و بخواد دنبال کنه، ولی شما نگران بشید بگید نه نکن این کار رو؟ مصاحبه شونده: خوب با من مشورت می‌کنه، اگر خطر توش داشته باشه، می‌گم نکن چون به ریسکش نمی‌ارزه». تبعاً در این گفتمان بر خلاف عدم مقبولیت اشتغال در خارج خانه، خرید از بازار برای زنان یک امر پذیرفته شده و قابل قبول است. بنابراین محسن هنگام خرید همسرش از بازار برای مراقبت از او در برابر جرم از امکانات مالی اش استفاده می‌کند؛ «مصاحبه گر: بعد همسرتون توی بازار خرید داره و می‌خواد بره بازار، شما شده که بترسید؟ مصاحبه شونده: خوب یک کارهایی می‌کنم امنیتش بیشتر باشه مثلاً می‌خواد بره بازار یک کاری می‌کنم که با ماشین شخص خودش بره که پیاده نره».

بنابراین در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش می‌توان گفت که مصاحبه شونده‌های این پژوهش ترس از جرم برای خود و ترس از جرم برای دیگران را برحسب همان گفتمان‌هایی

تعریف می‌کنند، که با آن، هویت‌های گفتمانی سنی - جنسیتی خود را تعریف کرده اند و متناسب با آن رفتار محدود لازم را اتخاذ می‌کنند.

انواع آسیب پذیری و سکونت در مناطق با بی نظمی اجتماعی و فیزیکی اثری بر ترس از جرم شخصی و ترس از جرم زنان و مردان شهر تهران ندارد. به عنوان مثال علی ۵۶ ساله، ساکن خزانه، دستفروش، در بین مردان از همه آسیب پذیر تر است، یعنی هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ اجتماعی بسیار آسیب پذیر است، اما به طور مستقیم برای خودش ابراز عدم ترس از بزه دیدگی می‌نماید و هیچ گونه رفتار محدودی برای پیشگیری از بزه دیدگی خود اتخاذ ننموده است. در حالی که اکبر با وضعیت اقتصادی بسیار بالا خود را مجهز به چاقو، قمه و غیره نموده است. این وضعیت، یعنی عدم تأثیر معیارهای آسیب پذیری بر ترس از جرم فرد، در مورد مردان دیگر و زنان، نیز صدق می‌کند. در مورد ترس برای دیگران نیز به همین منوال، تفاوتی قابل تشخیص در ترس از جرم برای دیگران مردان و زنان دارا و فاقد معیارهای آسیب پذیری مشاهده نمی‌شود. در مورد رفتارهای محدود، اگرچه فقدان آسیب پذیری (وضعیت اقتصادی بالا) محسن را قادر می‌سازد که برای پیشگیری از بزه دیدگی خود و خانواده، یک ویلای با تمام امکانات اجاره کند، و هوشیار را قادر به نصب شیشه ضد گلوله برای جواهری اش می‌کند، و همچنین حمایت همسر و پایگاه اجتماعی بالا، زهرا را قادر به دوچرخه سواری در ساعت دوازده شب در بوستان روبروی منزل می‌کند، اما فقدان آسیب پذیری نشان نمی‌دهد که چرا هوشیار جواهر فروش، به خاطر ترس از جرم، از مسافرت همسرش با دوستانش - به جای تأمین امکانات امنیتی لازم - ممانعت می‌کند.

آنچه که بیشتر از هر چیزی ترس از جرم شخصی بین دو جنس را متفاوت می‌کند، ترس از بزه دیدگی جنسی در بین زنان است. یعنی وجود ترس از بزه دیدگی از جرائم مالی و جسمی بین هر دو جنس مشترک است، اما ترس از بزه دیدگی جنسی در بین مردان وجود ندارد. همچنین آنچه که بیش از هر چیزی ترس از جرم برای دیگران را بین دو جنس متفاوت می‌کند، چشم گیرتر بودن این ترس در مردان است. در ترس مردان برای دیگران، بر خلاف ترس شخصی، ترس از بزه دیدگی جنسی قابل مشاهده است، که البته با در نظر گرفتن اینکه ترس از جرائم مالی به صورت تفکیکی و ترس از بزه دیدگی جنسی به صورت کلی توسط آنان اشاره شده است، می‌توان

نتیجه گرفت که ترس از بزه دیدگی جنسی برای دیگران (زنان) در بین مردان، چشم گیر است. بیش از هر چیزی تفاوت بین دو جنس در واکنش به ترس از جرم شخصی چشم گیرتر بودن استفاده زنان از رفتارهای محدودی است که متضمن به کارگیری هزینه‌های روانی و در ضمن ایجاد کننده محدودیت‌های روانی است<sup>۱</sup>. این یعنی زنان در شهر تهران، اعمال مورد قصد خود را انجام می‌دهند، اما برای پیشگیری از بزه دیدگی خود، به ویژه بزه دیدگی جنسی، از روان خود بیشتر مایه می‌گذارند، و بسیار کمتر از مردان هزینه مالی را مورد استفاده قرار می‌دهند، و از سویی دیگر اتخاذ این نوع رفتارهای محدود هر چه بیشتر به لحاظ روانی آنان را فرسوده می‌کند. آنچه به طور فاحشی تفاوت رفتارهای محدود زنان و مردان را در ترس از جرم برای دیگران نشان می‌دهد، تأثیرگذار و عملی بودن رفتارهای محدود مردان برای دیگران است، در حالی که رفتار محدود زنان تقریباً تأثیری عملی بر زندگی افراد ندارد. در نهایت ترس از جرم به طور فاحشی بر دانش، فراغت و اشتغال زنان، توسط رفتارهای محدودی که خودشان و یا مردان خویشاوندی که برای آنها می‌ترسند، اتخاذ می‌کنند، اثر محدودکنندگی و بازدارندگی دارد.

### نتیجه گیری

ترس از جرم به طور کلی در بین زنان و مردان شهر تهران بیشتر از آنکه ناشی از شرایط عینی و درک و مشاهده ماهیت عینی جهان واقعی باشد، برساخته اجتماع است، یعنی افراد در طی تعاملات اجتماعی مانند، جامعه پذیری، مشاهده بزه دیدگی دیگران، شنیدن اخبار جرائم از رسانه‌ها، از دیگران دور و نزدیک، ترس از جرائم خاصی را متناسب با تعریفی که از خود به عنوان، زن، جوان، جواهر فروش، عطار، دست فروش و غیره دارند، برمی سازند و رفتارهای محدود لازم را هم متناسب با همان تعریف از خود، اتخاذ می‌نمایند.

برساخت اجتماعی ترس از جرم شخصی و ترس از جرم برای دیگران و اتخاذ رفتارهای محدود در واکنش به این ترس‌ها، در حوزه جنسیت از طریق هویت‌های گفتمانی که سنی -

---

۱ این پژوهش با استفاده از متن مصاحبه های انجام گرفته، شناسایی و دسته بندی رفتارهای محدود را نه تنها بر اساس ویژگیهای ظاهریشان، بلکه به شیوه ای هدفمند و بر اساس معیارهای توسعه ای در زمینه انواع هزینه هایی که می طلبند و محدودیت هایی که در زمینه توسعه انسانی ایجاد می کنند، توسعه بخشیده است.

جنسیتی هستند به خوبی قابل فهم است. یعنی افراد بسته به اینکه زن یا مرد باشند، در چه دوره سنی باشند، عهده دار چه مسئولیت‌هایی در آن دوره سنی باشند، و کدام یک از گفتمان‌های متعدد مدرن و یا سنتی را برای تعریف خود به عنوان زن یا مرد برگزیده اند و بر حسب آن خود را عهده‌دار کدام یک از مسئولیت‌ها بدانند، می‌توانند هویت‌های متفاوت جنسیتی داشته باشند به عنوان مثال، زن خانه‌دار، زن فمینیست، دختر دانشجو، برادر غیرتی، پدر نان‌آور و غیره. بنابراین افراد بسته به اینکه کدام هویت جنسیتی را بر حسب چه گفتمانی برای خود تعریف کرده باشند، می‌توانند نسبت به بزه دیدگی خود از جرائمی خاص که هویت جنسیتی آنان را تهدید می‌کند، بترسند و نسبت به سایر جرائم ترس نداشته باشند و همچنین بسته به اینکه چه هویت جنسیتی را برای خود برگزیده اند، متناسب با آن هویت، برای پیشگیری از جرم خاصی که از آن ترس دارند، نوع خاصی رفتار محدود را اتخاذ نمایند. این یافته با نظریه «خود توسعه یابنده سنی - جنسیتی» موجود در ادبیات در باره ترس از جرم - که تریکت<sup>۱</sup> در یک پژوهش کیفی برای بررسی ترس از جرم مردان برای دیگران به کار برده است - مطابقت دارد.

پس با توجه به یافته‌های بدست آمده از مصاحبه‌های کیفی می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت‌های جنسیتی ترس از جرم، در بین زنان و مردان در شهر تهران، با در نظر گرفتن «ترس از جرم برای دیگران» و «واکنش» های آنان به ترس از جرم، از طریق نظریه خود توسعه یابنده سنی - جنسیتی قابل فهم است.

همانطور که قبلاً ذکر شد، ترس از جرم به طور فاحشی بر دانش، فراغت و اشتغال زنان، توسط رفتارهای محدودی که خودشان و یا مردان خویشاوندی که برای آنها می‌ترسند، اتخاذ می‌کنند، اثر محدود کنندگی و بازدارندگی دارد. اما دلیل اصلی انتخاب و اتخاذ رفتارهای محدودی که منجر به این بازدارندگی و محدود کنندگی می‌شود، ناشی از آسیب پذیری و کمبود منابع و امکانات مالی و اجتماعی نیست، بلکه هویت‌های گفتمانی یا همان خود توسعه یابنده سنی - جنسیتی افراد تعیین کننده اصلی چند و چون تأثیر محدود کنندگی و بازدارندگی ترس از جرم شخصی و ترس از جرم برای دیگران آنها است. این وضعیت با مفهوم

1 Trickett

«کمبود قابلیت<sup>۱</sup>» آمارتیا سن<sup>۲</sup> مطابقت دارد که آن را در برابر مفهوم کمبود درآمد قرار داده است، در واقع منظور از کمبود قابلیت، عوامل غیر مادی فقر مانند عوامل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است، از نظر سن کافی بودن وسایل اقتصادی را نمی‌توان مستقل از امکانات عملی تبدیل نمودن درآمدها و منابع به قابلیت عمل سنجد. <sup>۳</sup> بنابراین برحسب یافته‌های این پژوهش در مبحث ترس از جرم و پیامدهای آن، امکانات عملی تبدیل نمودن درآمدها و منابع به قابلیت عمل‌هایی مانند پیگیری علائق، تفریحات یا اشتغال، وابسته است به اینکه هویت فرد در کدام گفتمان قرار دارد. به عنوان مثال هویت برآمده از گفتمان ناموسی می‌تواند بیشترین ممانعت را از تبدیل شدن درآمدها و منابع به قابلیت عمل، به عمل آورد. بعد از آن گفتمان مدرن سنتی راجع به تقسیم کار، قادر به ایجاد این ممانعت است. اما گفتمان‌های مدرن جدید و گفتمان فمینیستی نه تنها ایجاد ممانعت نمی‌کنند بلکه نقش تسهیل‌گرانه دارند. به طور واضح‌تر در همه هویت‌های گفتمانی ترس از بزه دیدگی جنسی بر ترس از جرم شخصی زنان و ترس مردان برای زنان و رفتارهای محدود اتخاذ شده در واکنش به آن سایه افکنده است، سنگینی این سایه در رفتارهای محدود زمانی بیشتر می‌شود که گفتمان ناموسی شکل دهنده هویت فرد باشد. در این موقعیت رفتارهای محدود به سمت رفتارهای اجتنابی، امتناعی و مستاصلا نه هدایت می‌شود.

به تبع این که زنان و مردان ترس از جرم شخصی و ترس از جرم برای دیگران و رفتارهای محدودی که در واکنش به آن اتخاذ می‌شود، را بر می‌سازند، رویکرد جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری جنسیتی ترس از جرم از فهم تفاوت‌پذیری ترس از جرم شخصی و ترس از جرم برای دیگران زنان و مردان در دوره‌های متفاوت از طول عمرشان باز می‌ماند. همچنین این رویکرد از فهم تفاوت‌پذیری موضوع ترس از جرم شخصی و ترس از جرم برای دیگران زنان و مردان حاضر در یک جامعه مشترک که در معرض فرایندهای یکسانی از جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری جنسیتی قرار می‌گیرند باز می‌ماند. و در نهایت رویکرد جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری

1 Capability failure

2 Amartya Kumar Sen

۳ ر.ک. سن، آمارتیا (۱۳۹۵)، آزادی و برابری، ترجمه حسن فشارکی، تهران، انتشارات شیرازه، ص ۱۷۹ - ۱۵۸

جنسیتی ترس از جرم از فهم تفاوت پذیری رفتارهای محدود زنان و مردان در واکنش به ترس از جرم شخصی و ترس از جرم برای دیگران نسبت به یک جرم خاص باز می‌ماند.

### پیشنهادات

در این پژوهش همه انواع گفتمان‌ها در همه مناطق و همه پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی پراکنده بودند، ولی انجام مطالعه ای کمی برای شناسایی چگونگی توزیع گفتمان‌ها بر حسب منطقه و پایگاه اجتماعی و اقتصادی به منظور ارائه راهکارهای مناسب هر منطقه برای کاهش ترس و یا بازدارنگی ترس از جرم می‌تواند مفید باشد.

بنابراین پیشنهادهای این پژوهش به این قرار است:

۱. انجام مطالعه با موضوع رابطه هویت‌های گفتمانی و ارتکاب جرم برای جلوگیری از وقوع جرائم و کاهش ترس از جرم.
۲. انجام مطالعه ای کمی برای شناسایی چگونگی توزیع گفتمان‌ها بر حسب منطقه و پایگاه اجتماعی و اقتصادی به منظور ارائه راهکارهای مناسب هر منطقه برای کاهش ترس و یا بازدارنگی ترس از جرم.
۳. تلاش نهادهای مدنی و رسمی برای ترویج گفتمان مدنی به منظور کاهش اثرات بازدارنگی ترس از جرم و کاهش ارتکاب جرم.

## منابع

- پاک نهاد، امیر، (۱۳۹۲) آموزه‌های حقوق کیفری بهار و تابستان، شماره ۵، از ۱۵۵ تا ۱ سراج زاده، سید حسین، و گیلانی، اشرف (۱۳۸۸)، بی سازمانی اجتماعی و ترس از جرم، رفاه اجتماعی، شماره ۳۴
- سراج زاده، حسین، روزخوش، محمدی، محمد صدیق (۱۳۸۹) و طرح پژوهشی مسائل اجتماعی محله‌های شهر تهران، گزارش ۲- گزارش خوشه‌های دهگانه نمونه گیری، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران
- سراج زاده، سید حسین، فیضی، ایرج (۱۳۹۳). «زنان و مسائل اجتماعی در شهر تهران». مجموعه مقالات زنان و زندگی شهری؛ کتاب چهارم: زنان، امنیت و آسیب‌های اجتماعی. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. صص: ۸۴ - ۱۵
- سن، آمارتیا (۱۳۹۵)، برابری و آزادی، ترجمه حسن فشارکی، انتشارات شیرازه، تهران، چاپ اول
- سالدنا، جانی (۱۳۹۵)، راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی، ترجمه عبدالله گیویان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- نجم‌نهادی، مریم، آهنگر سلابتی، اعظم (۱۳۸۹)، بررسی جامعه شناختی احساس امنیت جنسی زنان، بررسی مسائل اجتماعی، شماره ۳، ۱۶۷ - ۱۷۸
- Hilinski, Carly M, Pentecost Neeson, Kindsey E, Andrews, Heather(2011), Explaining the Fear of Crime Among College Women, in their own Words, The Southwest Journal of Criminal Justice, Vol. 8(1)
- Ashbourne, Jessica(2014), Evidence for a Big Brother Effect in Survey-Based Fear of Crime Research , International Journal of Criminology and Sociology, 2014, vol 3, 146-157.
- Drakulich, Kevin M(2014), Concerns for Self or Family? Sources of and Responses to Altruistic Fear, Journal of Interpersonal Violence DOI: 10.1177/0886260514539842, 1- 40.
- Ferraro, Kenneth F. (1996). "Women's Fear of Victimization: Shadow of Sexual Assault?" Social Forces 75:667-690.

- Ferraro, Kenneth F. and Randy LaGrange. (1987). "The Measurement of Fear of Crime." *Sociological Inquiry* 57:70-1
- Fox, Kathleen A., Nobles, Matt R and Piquero, Alex R(2009) ,Gender, crime victimization and fear of crime ,*Security Journal* (2009) 22, 24 – 39. doi: 10.1057/sj.2008.13
- Garofalo, James, (1981), *The Fear Of Crime: Causes And Consequences*, The *Journal Of Criminal law & criminology*, Vol. 72, No. 2
- Gray, Emily. Jackson, Jonathan and Farrall, Stephen (2011), FEELINGS AND FUNCTIONS IN THE FEAR OF CRIME; Applying a New Approach to Victimisation Insecurity, doi:10.1093/bjc/azq066 *BRIT. J. CRIMINOL.* 51, 75-94
- Grohe, Bonnie Rae(2006), *Perceptions of Crime, Fear of Crime and Defensible Space in Fortworth Negborhoods*, Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, University of Texas at Arlington.
- Hale, C (1996) Fear of crime: a review of the literature. *International Review of Victimology*, 4(2): 79-150
- Lane, Jodi, Gover, Angela, Dahod, Sara R(2009) ,Fear of Violent Crime Among Men and Women on Campus: The Impact of Perceived Risk and Fear of Sexual Assault, *Violence and Victims*, Volume 24, Number 2, 2009
- Michael L. Chataway & Timothy C. Hart (2019) A Social-Psychological Process of "Fear of Crime" for Men and Women: Revisiting Gender Differences from a New Perspective, *Victims & Offenders*, 14:2, 143-164, DOI: [10.1080/15564886.2018.1552221](https://doi.org/10.1080/15564886.2018.1552221)
- Najar Nahavandi, Maryam, Ahangar Salabati, Azam (2010), Sociological study of women's sense of sexual security, *Social Issues Review*, No. 3, 167-178 (in Persian)**
- Nilgun colpan Erkan, Beril sevintopco(2021) Gender-based differences in fear of crime in public spaces: An investigation of a safe district in Istanbul, *Urbani Izziv* 32(2):87-97, DOI:10.5379/urbani-izziv-en-2021-32-02-02
- Pritchard, Adam J, Jordan, Carol E. and Wilcox, Pamela(2015), Safety concerns, fear and precautionary behavior among college women: An exploratory examination of two measures of residency, *Security Journal* 28, 16 – 38. doi: 10.1057/sj.2012.39
- Rader, Nicole & Cossman, Jeralynn(2011), Gender Differences in U.S. College Students' Fear for Others, *Sex Roles* (2011) 64:568-581, DOI 10.1007/s11199-011-9940-5.

- Rader, Nicole E, Cossman, Jeralynn S, Allison, Marisa(2009), Considering the Gendered Nature of Constrained Behavior Practices Among Male and Female College Students, *Journal of Contemporary Criminal Justice* Volume 25 Number 3 August 2009 282-299.
- Saldana, Johnny (2016), *Coding Guide for Qualitative Researchers*, Translated by Abdollah Givyan, Tehran, Scientific and Cultural Publications (in Persian)
- Sen, Amartya (2016), *Equality and Freedom*, translated by Hassan Fasharaki, Shiraz Publications, Tehran, first edition (in Persian)
- Serajzadeh, Hossein, Roozkhosh, Mohammadi, Mohammad Sedigh (2010) *Research Project on Social Issues in Tehran Neighborhoods, Report 2 - Report on Ten Sampling Clusters*, Tehran Municipality Social and Cultural Studies Office (in Persian)
- Serajzadeh, Seyed Hossein, and Gilani, Ashraf (2009), *Social Disorganization and Fear of Crime*, *Social Welfare*, No. 34 (in Persian)
- Serajzadeh, Seyed Hossein, Feizi, Iraj (2014). "Women and Social Issues in Tehran". *Collection of Articles on Women and Urban Life; Book Four: Women, Security and Social Harms*. Tehran City Studies and Planning Center. pp. 15-84. (in Persian)
- Snedker ,Karen A(2006), *Altruistic and Vicarious Fear of Crime: Fear for Others and Gendered Social Roles*, *Sociological Forum*, Vol. 21, No. 2, June , DOI: 10.1007/s11206-006-9019-1
- Sofi Johansson & Karen Haandrikman (2023) *Gendered fear of crime in the urban context: A comparative multilevel study of women's and men's fear of crime*, *Journal of Urban Affairs*, 45:7, 1238-1264,
- Stanko, Elizabeth A. and Hobdell ,Kathy(1993), *ASSAULT ON MEN: Masculinity and Male Victimization*,: *The British Journal of Criminology*, Vol. 33, No. 3 (Summer 1993), pp. 400-415
- Trickett, Loretta (2009), 'DON'T LOOK NOW' - MASCULINITIES, ALTRUISTIC FEAR AND THE SPECTRE OF SELF: WHEN, WHY AND HOW MEN FEAR FOR OTHERS: *Crimes and Misdemeanours* 3/1 (2009) ISSN 1754-0445 82.
- War, Mark, (2000). *Fear of Crime in the United States: Avenues for research and policy* , criminal justice, Vol. 4.
- Warr, M. and C. Ellison, (2000). 'Rethinking Social Reactions to Crime: Personal and Altruistic Fear in family households', *The American Journal of Sociology*, 106 (3) pp.551 – 573.

WARR, Mark, (1992), Altruistic Fear of Victimization in Households, *Social Science Quarterly* , Vol. 73, No. 4, pp. 723-736 .

Williams Reid, Lesley & Konrad , Miriam (2004): The Gender Gap in Fear: Assessing the Interactive Effects of Gender and Perceived Risk on Fear of Crime, *Sociological Spectrum: Mid-South Sociological Association*, 24:4, 399-425

Woolnough, April D(2009), Fear of crime on campus: Gender differences in use of self-protective behaviours at an urban university, *Security Journal* (2009) 22, 40 – 55. doi: 10.1057/sj.2008.1